

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

۱. م. شیرى
۱۸ سپتمبر ۲۰۲۲

سلاح از دست عمال انگلیس برگیرید



قبل از هر سخنی، فوت مهسا امینی را به خانواده و همه زنان فهیم و فرهیخته میهنم تسلیت عرض می‌کنم.

روز گذشته، ۲۵ شهریور-سنبله-، باز هم خبر مرگ جانسوز یکی از زنان هموطن ما، مهسا (ژینا) امینی، دختر ۲۲ ساله پس از سه روز بازداشت توسط گشت ارشاد، در صدر اخبار رسانه‌های دوست و دشمن قرار گرفت. فوت این دختر دم بخت باعث تکدر خاطر ایرانیان میهن‌دوست، همدردی عمومی با خانواده متوفی و اعتراض به کاریست سیاست‌های بی‌منطق و مخرب حاکمیت در کشور گردید. در جبهه دشمنان ایران اما به عکس، حق‌بازان و لفاظان، فریب‌خوردگان و نان بیگانه‌خوران به برکت رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی با شادی و شعف فوق‌العاده هیاو به پا کردند و مرگ یک دختر ناکام را به عنوان یک سلاح ایدئولوژیک و ابزاری برای تبلیغ و ترویج منویات ضدبشری و اهداف ضد ایرانی خود به کار گرفتند.

گذشته از تکدر خاطر ها و اظهار همدردی‌های توأم با نقد بحق سیاست‌های غلط نظام در جبهه میهن‌دوستان و یا برپایی مجالس شیرینی‌خوران و دست‌افشانی در جبهه دشمنان کشور، مسؤولیت این حادثه غم‌انگیز، حتی اگر صرفاً یک اتفاق و یا ناشی از مشکلات جسمانی قبلی باشد، در همه حال بر عهده حاکمیت کشور است و لاغیر!

چرا که حاکمیت برآمده از انقلاب بهم - دلو - ۵۷ با تطبیق حجاب اجباری، یعنی دخالت بی‌منطق در نوع پوشش زنان، جوّ روحی و روانی بسیار سنگینی را حداقل برای نیمی از جمعیت کشور ایجاد کرد و موجب وارد آمدن آسیب‌های سخت فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی به جامعه گردید.

شاید کمتر کسی از تاریخچه تطبیق حجاب اجباری بی‌اطلاع باشد. زیرا، این واقعیت بکرات بیان شده است، که حجاب اسلامی را نخستین بار ملا حسن روحانی برای خانم‌های شاغل ارتش اجباری کرد و درست پس از آن، به سراسر جامعه تطبیق داده شد.

در اثر مساعی ملا حسن روحانی، حجاب اجباری به سلاحی تبدیل گردید که نیمی از جمعیت کشور مجبور شد در زیر رگبار پیوسته آن در شرایط ناامنی روحی، روانی و جسمی دائمی به سر ببرد.

ملا حسن روحانی درست در شرایطی حجاب اجباری را به زنان ایران تحمیل کرد که هیچ نیازی به آن نبود. توجه به فرهنگ تاریخی حاکم بر نوع پوشش زنان، به ویژه، لباس‌های سنتی بانوان خلق‌های مختلف ایران مانند کردها، لرها، قشقایی‌ها، ترک‌ها، عرب‌ها، بلوچ‌ها، طالش‌ها و سایرین این واقعیت را بروشنی ثابت می‌کند.

برای اثبات ماهیت خرابکارانه اقدام حسن روحانی، خود را به در و دیوار زدن لازم نیست. فقط کافیست او، به عنوان یکی از پیروان مکتب ننولیرالی- انگلیس اکبر رفسنجانی، نه تنها به خاطر ۸ سال خیانت به کشور و تحمیل برجام بد فرجام، حتی به دلیل طرح و تطبیق حجاب اجباری مورد بازجویی و محاکمه در یک دادگاه صالحه قرار گیرد. فقط در این صورت است، که رد پای سیاست‌های انگلیس-صهیونیستی در ایران به طور واضح آشکارتر می‌شود.

نکته قابل تأمل دیگر در رابطه با فوت ژینا امینی این است که این حادثه جانگذاز درست در روزی اتفاق افتاد که ایران به عضویت سازمان همکاری شانگهای در جلسه سران کشورهای عضو آن در سمرقند پذیرفته شد و در پی آن، ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور کشور پیشنهاد ایجاد سازمان پزشکی و بهداشتی این سازمان را در جلسه سران مطرح کرد. پیشنهاد رئیسی را در واقع می‌توان به معنای تشکیل یک سازمان پزشکی- بهداشتی در مقابل سازمان مخوف به اصطلاح بهداشت جهانی تلقی کرد.

معلوم است که سازمان بهداشت جهانی بر اساس طرح بنیاد راکفلر و با پول آن توسط برادران دالس- همزمان، یکی رئیس سازمان جهنمی «سیا» و دیگری، وزیر خارجه امپریالیسم امریکا در سال ۱۹۴۸ تشکیل گردید. هدف آن‌ها از تشکیل این سازمان جنائی، برچیدن نظام پزشکی مبتنی بر پیشگیری موسوم به طب شرقی و ترویج و تطبیق گونه پزشکی متکی بر درمان و معالجه، مشهور به طب غربی بود. این سازمان جنائی بین‌المللی پس از تشکیل، طب شرقی را تا حد قابل ملاحظه‌ای از میدان پزشکی بیرون راند و با تطبیق طب غربی، سلامتی انسان را به کالای قابل مبادله و سودآور تبدیل کرد که خود این، ماهیت جنائی سازمان بهداشت جهانی و حتی، سازمان غذا و دارو را نیز آشکار می‌کند. شک و تردیدها در مورد هدفمندی حادثه ناگوار مرگ ناگهانی و یا در اثر ضرب و شتم ژینا امینی را این واقعیت تقویت می‌کند، که وقوع آن، دو موفقیت ایران را کاملاً به سایه برد و از اهمیت آن در انظار عمومی کاست: اولی، عضویت در سازمان همکاری شانگهای، یعنی، پیوستن به گروه کشورهایی که در جهت تقویت، تحکیم و تثبیت نظم نوین جهانی چند قطبی مبتنی بر مناسبات متقابل و برابر حقوق بین کشورها در برابر نظم کهنه متکی بر صدور دالر و جنگ، بحران و تورم و تحریم، زورگوئی و قلدری و یکجانبه‌گرایی تلاش می‌کنند؛ دومی، پیشنهاد تشکیل سازمان پزشکی و بهداشتی پیمان شانگهای در نقطه مقابل سازمان جنائی بهداشت جهانی!

به هر تقدیر، همانطور که معلوم است مرگ مهسا امینی نخستین حادثه در تاریخ تطبیق حجاب اجباری نیست و اگر در بر همین پاشنه بچرخد، قطعاً، آخری نیز نخواهد بود.

بنابراین، به نظر می‌رسد حاکمیت ایران با در نظر گرفتن رواج گسترده و کم‌سابقه فساد و فحشاء به رغم تطبیق حجاب اجباری در طول چهل و چند سال گذشته در کشور، باید به این عقلانیت رسیده باشد، که عفاف و پاکدامنی به داغ و درفش، به بگیر و ببند، به شلاق و شمشیر (در مجموع، ارشاد) نیاز ندارد.

اگر مقامات کشور واقعاً به فکر پاکیزگی و نزهت اخلاقی در جامعه هستند، اگر واقعاً به فکر جلوگیری از تداوم و تکرار فجایعی مانند مرگ نابهنگام مهسا امینی‌ها هستند، باید درک کنند که، به جای ادامه موجودیت نهادهای عریض و طویل مانند گشت ارشاد، ستاد امر به معروف و نهی از منکر و امثالهم و تخصیص بودجه‌های میلیاردی و جلب منابع انسانی عظیم برای پوشاندن موی سر بانوان، با پای‌بندی به اصول مصرح قانون اساسی کشور، به فکر فقرزدائی، اشتغال‌زائی، تأمین شغل، مسکن و سایر ملزومات زندگی ساده انسانی برای آحاد جامعه باشند؛ فکری برای حل مشکلات کارتن‌خوابی، گورخوابی، زباله‌گردی، زنان سرپرست خانواده و کودکان کار بکنند! چه که حل این معضلات در خدمت تحکیم و تقویت منافع ملی کشور ماست.

به منظور رفع یا حداقل، برای تعدیل مشکلات معیشتی و اجتماعی- اقتصادی، به منظور تأمین و تقویت آسایش و امنیت روحی، روانی و سیاسی در فضای کشور، قبل از همه، لازم است صدای رگبار دائمی سلاح انگلیس حسن روحانی و دخالت ارگان‌های دولتی در اجبار زنان به پوشش حجاب قطع شود؛ نهادهای دولت در پوشش نهادهای پرهزینه گشت ارشاد و ستاد امر به معروف و... به فوریت منحل و تعطیل گردند؛ بودجه‌های کلان و اماکن و تجهیزات آن‌ها به سود مردم لغو شود و در راستای احداث مدارس، مراکز بهداشتی- درمانی، اشتغال‌زائی و تأمین تجهیزات رفاهی از قبیل آب لوله‌کشی، راهسازی و غیره در مناطق محروم کشور صرف شود و در عین حال، منابع انسانی جذب شده در آن‌ها به جای علافی و ولگردی در خیابان‌ها و اماکن عمومی به دنبال موی سر زنان، به کار و تولید ثمربخش مشغول شوند.

و گر نه، «هر که سخن ناصحان نشنود، بدو آن رسد که به باخه رسید»! به سخن دیگر، کشور را به همان بلانی گرفتار خواهند کرد، که باند مزدور یاکولی‌یف- گوربچوف- یلتسین اتحاد شوروی را گرفتار کرد.

۲۶ شهریور- سنبله ۱۴۰۱